



REVIEW ARTICLE

Policy Analysis of Transparency and Participation Frameworks: Normative and Positive Perspectives from Urban Governance

Daryoush Moradi Chadegani^{1*}, Mohammad Hosein Asgari², Khaterreh Amiri³, Effat Saboohi⁴, Molud SalehiNajfabadi⁵

1. Assistant Professor of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan (AUI), Isfahan, Iran

* Corresponding Author's Email: d.moradi@au.ac.ir

2. Ph.d. Student of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan (AUI), Isfahan, Iran

Email: mohoasgari@hotmail.com

3. Ph.d. in Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

Email: khaterrehamiri1402@gmail.com

4. Assistant Professor of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University (Dolatabad Branch), Isfahan, Iran

Email: e.sabohi@iauda.ac.ir

5. Master of Urban Planning, Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan (AUI), Isfahan, Iran

Email: salehi_molood@yahoo.com



<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.107866>

Received: 29 January 2026

Accepted: 24 March 2026

ABSTRACT

This study examines the implementation of policies related to transparency and participation in the public sector, with the aim of identifying challenges and proposing improvements. Through a mixed-methods (quantitative and qualitative) and inductive approach, the research produces descriptive, analytical, and prescriptive insights while critically assessing both the positive and normative aspects of these policies. The findings reveal significant institutional shortcomings in the application of transparency and participation policies within urban management systems. Key issues include the instrumental, short-term, and monopolistic use of these policies, compounded by structural weaknesses such as the lack of a shared conceptual framework among stakeholders and deficiencies in policy formulation and evaluation. A critical gap exists in the foundational, operational, and evaluative dimensions of these policies, primarily due to the absence of a common theoretical and scientific understanding. Addressing these challenges is essential for institutionalizing effective transparency and participation mechanisms in public governance.

Keywords: Policymaking, Public Sector, Transparency, Participation, Policy Analysis.

Citation: Moradi Chadegani, Daryoush; Asgari, Mohammad Hosein; Amiri, Khaterreh; Saboohi, Effat; SalehiNajfabadi, Molud (2026). Policy Analysis of Transparency and Participation Frameworks: Normative and Positive Perspectives from Urban Governance. *Iranian Journal of Public Policy*, 12 (2), 383-394.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.107866>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0)



مقاله مروری

آسیب شناسی ابعاد اثباتی و هنجاری سیاستگذاری مرتبط با شفافیت و مشارکت در بخش عمومی با تمرکز بر سیستم های مدیریت شهری

داریوش مرادی چادگانی^{*۱}، محمدحسین عسگری^۲، خاطره امیری^۳، عفت صبوحي^۴، مولود صالحی نجف آبادی^۵

۱. استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: d.moradi@aui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

رایانامه: mohoasgari@hotmail.com

۳. دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

رایانامه: khaterehamiri1402@gmail.com

۴. استادیار شهرسازی و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دولت آباد، دولت آباد، ایران

رایانامه: e.sabohi@iauda.ac.ir

۵. کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

رایانامه: salehi_molood@yahoo.com

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.107866>

تاریخ دریافت: ۹ بهمن ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۴ فروردین ۱۴۰۵

چکیده

آسیب شناسی و ارزیابی سیاست های مرتبط با مشارکت و شفافیت، چگونگی کاربست آن ها را در بخش عمومی ردیابی کرده و با تولید برون دادهایی چون گزارش های توصیفی، تحلیلی و تجویزی، نقد، آسیب شناسی (تحلیل مشکلات) و بیان ویژگی های اثباتی و هنجاری سیاست ها، زمینه را بهبود آن ها فراهم می کند. در این مقاله با هدف دستیابی به آستانه های نهادینه شدن این سیاست ها و رفع موانع تحقق پذیری آن ها، یک پژوهش کاربردی، استقرایی و آمیخته (کمی و کیفی) در دستور کار قرار گرفته است. نتایج آسیب شناسی سیاست های مشارکت و شفافیت در بخش عمومی (به ویژه سیستم مدیریت شهری) نشان از کاستی های نهادی گسترده چون بهره گیری ابزاری، موقت و کوتاه مدت و انحصار طلبانه از این سیاست ها دارد که همراه با کمبودهای ساختاری چون فقدان درک مشترک از این سیاست ها و ضعف در سیاست گذاری و ارزش گذاری سیاست، تحقق پذیری آن ها را با دشواری مواجه کرده است. در یک نگاه کل باور، شکاف در بستر سازی، اجرا و ارزیابی سیاست های شفافیت و مشارکت و نبود ادبیات مشترک متناسب با بنیان های نظری و علمی مهم ترین آسیب ها در مسیر تحقق این سیاست ها هستند.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری، بخش عمومی، شفافیت، مشارکت، آسیب شناسی.

استناد: مرادی چادگانی، داریوش؛ عسگری، محمدحسین؛ امیری، خاطره؛ صبوحي، عفت؛ صالحی نجف آبادی، مولود (۱۴۰۵). آسیب شناسی ابعاد اثباتی و هنجاری سیاستگذاری مرتبط با شفافیت و مشارکت در بخش عمومی با تمرکز بر سیستم های مدیریت شهری. فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱۲ (۲)، ۳۹۴-۳۸۳.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.107866>



ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

نظام حکمروایی خوب شهری، الگوی اداره مطلوب شهر است که در آن سیاست‌های متعددی مانند مشارکت، پاسخگویی، شهروندمداری، شفاف بودن، کارآمدی و قانون‌مداری به کار گرفته می‌شود (Esmacilzadeh & Sarrafi, 2006). آسیب‌شناسی و ارزیابی این سیاست‌ها چگونگی کاربست آن‌ها را در یک سیستم مدیریت شهری ردیابی کرده و سعی در اصلاح و بهبود آن‌ها دارد که برون‌داد آن شامل گزارش‌هایی چون توصیف تجارب، نقد، آسیب‌شناسی (تحلیل مشکلات) و بیان ویژگی‌های اثباتی و هنجاری سیاست است. نتایج چنین نگرشی پیشنهاد برای ظرفیت‌سازی و ارتقاء کیفیت سیاست‌گذاری است. آسیب‌شناسی و ارزیابی سیاست می‌تواند حدود مرز مشارکت و شفافیت را تعیین کرده و حضور اعضای جامعه در فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری را تضمین کند (Emami, 2015; WORLD BANK, 1966)؛ بنابراین، مشارکت و شفافیت در سیاست‌گذاری بخش عمومی نقش کلیدی دارند و زمینه را برای حساس‌تری دقیق و به‌روز از عملکرد سازمان‌ها و ساختارهای اداره امور عمومی فراهم می‌کنند. این موضوع با شناخت الگوی حکمرانی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. شهر تهران به عنوان نمود این الگو دارای حکمرانی متمرکز و چندبخشی است که در آن عناصر سیاست‌گذاری در ذیل دستگاه‌های مختلف به صورت چندگانه و موازی به تولید تصمیم و سیاست در حوزه‌های شهری می‌پردازند اما وجود اهداف، وظایف و منافع گوناگون باعث ناسازگاری و ناهماهنگی و تضاد میان سیاست‌ها می‌شود (Ebrahimnia & AbdiDaneshpour, 2017; Kazemian & MirAbedini, 2011). الگوی سازماندهی چندبخشی در ساختار شهرداری نیز بازتولید شده است به طوری که در شهرداری اصفهان چالش‌های جدی در زمینه سیاست‌گذاری هماهنگ و سازمان‌یافته وجود دارد. اگرچه اهداف و راهبردها بر روی مدیریت هماهنگ و واحد شهری تأکید دارند، اما سیاست‌گذاری در سطوح مختلف سازمانی از دستورکارهای مشخص، تعریف یکسان سیاست و سیاست‌گذاری و سازوکارهای پشتیبان چرخه سیاست‌گذاری (مشکل‌یابی تا بازبینی) محروم است. این موضوع منجر به شکاف‌های سیستمی، ناهماهنگی بین دستورکارهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، و عدم اجرای یکپارچه سیاست‌های نهادهای بالادستی شده است. در نتیجه، کاستی‌های ساختاری در سیاست‌گذاری شهری مانع از اثربخشی و هماهنگی سیاست‌ها با چارچوب برنامه‌های کلان شده است (MoradiChadegani et al, 2024). این چالش‌ها مانع از تحقق چشم‌انداز «شهری مردم‌محور با مدیریت واحد» می‌شوند و نیازمند طراحی و اجرای یک سیستم سیاست‌گذاری هماهنگ، یکپارچه و سازمان‌یافته هستند. بر همین پایه به این مقاله باهدف آسیب‌شناسی سیاست‌های مشارکت و شفافیت در سیستم‌های مدیریت عمومی (شهرداری اصفهان) و دستیابی به ماهیت و ویژگی‌های اثباتی و هنجاری این سیاست‌ها تدوین شده است. پرسش‌های پژوهش بر پایه هدف اصلی این‌گونه طراحی و تدبیر شده‌اند: نخست: ویژگی‌ها و ابعاد اثباتی و هنجاری سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت و شفافیت در سیستم‌های مدیریت عمومی (شهرداری اصفهان) چه هستند؟ دوم: اصول پایه و الزامات در سیاست‌گذاری مشارکت و شفافیت در سیستم‌های مدیریت عمومی (شهرداری اصفهان) در چه سطحی نهادینه شده است؟ سوم: مسائل و چالش‌های مبتنی بر ابعاد اثباتی و هنجاری سیاست‌گذاری‌های مشارکت و شفافیت در سیستم‌های مدیریت عمومی (شهرداری اصفهان) چه هستند و چگونه می‌توان اثرات نامطلوب آن‌ها را برطرف کرد؟

مبانی نظری

سیاست

پیدایش سیاست‌گذاری ریشه در آثار «لاسول» و «لرنر» در اوایل دهه پنجاه میلادی دارد (Lasswell & Lerner, 1951) اما نهادینه شدن آن در اواخر دهه شصت میلادی آغاز شد که دلایل عمده آن، گسترش فشارهای روزافزون سیاسی و اجتماعی برای

استفاده کاربردی از علوم اجتماعی در حل مسائل روزمره و شکل‌گیری اندیشه‌های مبتنی بر نقش عوامل اقتصادی-اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های دولتی در برابر تفکرات مبتنی بر نقش احزاب و ایدئولوژی‌های سیاسی است. از دهه هفتاد میلادی آثار منتشرشده در سیاستگذاری تنوع و گسترش بیشتری یافت که آن را می‌توان در چهار گروه «تحلیل حوزه‌های سیاستگذاری»، «تحلیل سیاست‌ها و مطالعه نتایج»، «فرآیندهای سیاستگذاری و عوامل مؤثر بر تدوین و اعمال سیاست‌ها» و «پیش‌بینی سیاست‌های جایگزین و مطالعه کارایی انواع ابزارها در عرصه عمل سیاسی» طبقه‌بندی کرد (Sabatier, 1991). در یک نگاه کل‌باور سیاست مجموعه‌ای فعالیت‌های هدف‌داری است که فرد یا گروهی از افراد برای حل مشکل یا مسئله عمومی انجام می‌دهند (Alvani & Sharifzadeh, 2016).

سیاست عمومی

سیاست عمومی هرگونه سیاستگذاری است که از سوی بخش عمومی^۱ و با هدف پاسخ به حل مشکلات، انجام می‌شود. نهاد سیاستگذار می‌تواند در درون دولت یا بخش خصوصی و عمومی باشد اما پشتیبانی و مراقبت از این سیاست‌ها توسط دولت‌ها و حکمرانی بخش عمومی انجام می‌شود (Birkland, 2019). بر این پایه سیاست‌های عمومی نیازمند سازوکارهای بازبینی هستند؛ آسیب‌شناسی و ارزیابی سیاست منجر به ارتقای مشارکت و شفافیت می‌شود (Baekgaard et al., 2019; Shapiro, 2016). ارزیابی سیاستگذاری عمومی در دو سطح عاملیت و ساختار مبتنی بر ویژگی‌های اثباتی و هنجاری انجام می‌شود (Egeberg, 2020): نخست پویایی سیاست‌ها است که به سیاستگذاری عمومی نقشی فرآیندی و متداوم برای پاسخ‌گویی به مشکلات می‌دهد. دوم تأثیر زنجیره‌ای اتخاذ هر سیاست بر سایر حوزه‌های تصمیم‌گیری است که به سیاستگذاری عمومی نقشی کل‌نگر و عقلانی برای انتخاب بهینه‌ترین سیاست‌ها را می‌دهد. سوم ماهیت میان‌کنشی و تقسیم‌شده قدرت در بین گروه‌های مختلف مانند بخش خصوصی و جامعه است که به سیاستگذاری عمومی نقشی تعاملی، مشارکتی و هدایت‌کننده‌ی منافع و منابع به سمت منفعت جمعی را می‌دهد (Pacione, 2009; Ali Ahmadi & Mirabedini, 2019).

مشارکت

مشارکت فعالیتی در عرصه شهری است که جنبه‌های داوطلبانه، آگاهانه، آزادانه، مسئولانه و فعالانه را در کنار سازوکارهای قدرت دارد. مشارکت در جمع روی می‌دهد (Piran, 1985). مشارکت شهروندی میان کنش مراجع رسمی، افراد و گروه‌های مختلفی است که منجر به توسعه بازبینی و قدرت تغییر آن‌ها در برنامه‌های مرتبط می‌شود. این سیاست شهروندان را در شبکه‌ای ارتباطی باهدف خود مدیریتی قرار داده و به آن‌ها امکان تجربه تصمیم‌گیری در ساخت سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی را می‌دهد (Servas, 2008). سیاست مشارکت انواع گوناگونی دارد که شامل مشارکت شهروندی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. اهداف مشارکت خلق ایده‌های جدید، تعیین شیوه‌های برخورد و انتشار اطلاعات، رفع و حل مغایرت‌ها، ارزیابی ایده‌ها، مرور طرح‌ها و پیشنهادها است (Marshall, 2004). فرایند مشارکت بر پایه الگوی مشارکت شهروندی شامل مراحل اطلاع‌رسانی^۲ (اطلاع‌رسانی توسط حکومت و آگاه شدن شهروندان)، مشورت^۳ (گفتگو با شهروندان و شنیدن نظرات آنان)، همکاری^۴ (استفاده از نظرات شهروندان و همکاری آنان با مسئولان)، درگیری^۵ (مسئولیت‌پذیری شهروندان در برابر امور) و مقتدر سازی^۶ (دستیابی شهروندان

1 . Public Sector
2 . Information
3 . Consultation
4 . Cooperation
5 . Involvement
6 . Empowerment

به منابع قدرت، توانایی هدایت و کنترل دگرگونی‌های محیط زندگی در یک ساختار ارتباطی و همکاری متقابل) است (Moradi et al., 2020 ; Amiri et al., 2022 ; Chadegani et al., 2022).

شفافیت

شفافیت، انتشار و تسهیل دسترسی به اطلاعات است و در مقابل پنهان‌کاری در تصمیم‌گیری است که از فساد در تصمیم‌گیری جلوگیری می‌کند. این سیاست مبتنی بر جریان آزاد اطلاعات، وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از درآمدها، منابع اطلاعاتی و فرآیندهای تصمیم‌گیری است (Ball, 2009; Barakopour & Asadi, 2009; UNDP, 2014). افزایش بر این، ابزار مناسبی برای توصیف دسترسی به اطلاعات، حسابرسی و نقش شهروندان در سیاست‌ها است. شفافیت بر چهار استراتژی ساختارهای نظارتی، مکانیسم‌های مبتنی بر بازار، استانداردهای داوری حرفه‌ای و بازرسی تأکید دارد (Finkelstein, 2000). ادبیات شفافیت بر اساس «اهداف» و «فعالیت‌ها» به گروه‌های متمایز طبقه‌بندی می‌شود. ارتقای اهداف، شفافیت اداری، سیاسی و بودجه بخشی از مقوله هدف سو در نظر گرفته می‌شود. افزون بر این فعالیت‌های تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و شفافیت پیامدهای سیاست است. این طبقه‌بندی به درک جامعی از ابعاد مختلف شفافیت در زمینه‌های مختلف اجازه می‌دهد (Cucciniello et al., 2017). شهرداری‌هایی با سطوح کارایی بالاتر، انتشار اطلاعات در مورد جنبه‌های مختلف مدیریت خود را در اولویت قرار می‌دهند (Benito et al., 2021). شفافیت در ارتباط مستقیم با مسئولیت‌پذیری و مشارکت عمومی است و دستیابی به شفافیت در حکومت محلی بستر مناسبی نسبت به دولت دارد (Seetharam Sridhar et al., 2020).

روش‌شناسی

تحلیل آسیب‌شناسی سیاست با استفاده از روش‌های کمی و کیفی، تعریف یک مسئله -از جنس- سیاست، بیان اثرات آن و نمایش قابلیت‌های حل آن را ارائه می‌دهد؛ که اغلب نیازمند روش‌های ارزیابی پیچیده‌ای برای ارزیابی کردن اینکه چگونه مسائل مشخص سیاست‌ها بر متغیرهای متعددی، از جمله سیاست‌های مداخله‌ای و عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار هستند. روش‌های کمی به نشان دادن رابطه موجود بین طراحی سیاست‌ها و محصولات آن و سنجش تعمیم‌پذیری این رابطه بر روی تنظیمات مشابه، سنجش بزرگی تأثیرات سیاست‌ها بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و یافتن گزینه‌های بدیل بهتر کمک می‌کنند. استفاده از چنین روش‌هایی بخشی از تخصص علمی است که تحلیل گران سیاست مدعی ارتباط میان آن‌ها هستند. روش‌هایی نظیر مدل‌سازی، کمی سازی ورودی‌ها و خروجی‌ها، آمار توصیفی، استنباط آماری، تحقیقات عملیاتی، تحلیل هزینه فایده و تحلیل ریسک- سود به‌طور مداوم در مطالعات سیاست استفاده می‌شود. برای تحلیل کمی داده‌ها از روش‌های آماری استفاده می‌شود که از نمونه مشاهدات به‌منظور مطالعه و مقایسه منابع برای واریانس پدیده‌ها، کمک به تصمیم‌گیری در پذیرش یا رد روابط فرضیه به‌دست‌آمده است. آمار توصیفی تحلیل گران سیاست را قادر می‌سازد که داده‌ها را به‌طور مؤثر و معنی‌داری خلاصه کنند. آمار استنباطی یکی از روش‌های کمی است که به‌منظور تعمیم یک نمونه به یک جمعیت است. به عبارتی انتخاب درست تکنیک تحلیل سیاست باید هدف تحقیق، اندازه نمونه، توزیع داده‌ها، تعداد متغیرهای وابسته و مستقل و نوع مقیاس اندازه‌گیری متغیرها را در نظر بگیرند. این روش‌ها شامل تجزیه و تحلیل یک و دومتغیره^۱، تحلیل واریانس (ANOVA)^۲، تحلیل رگرسیون چندگانه^۳، تحلیل دنباله‌های زمانی^۴، تحلیل

1 . Univariate And Bivariate Analysis

2 . Analysis Of Variance (ANOVA)

3 . Multiple Regression Analysis

4 . Time Series Analysis

تاریخی رویداد^۱ تحلیل مسیر^۲ تئوری بازی^۳ شبیه‌سازی^۴ است. تحلیل سیاست بر پایه مطالعات کیفی بر مصاحبه‌های عمیق با بازیگران متنوع سیاست بنیان نهاده شده است؛ و مطالعات دیگری بر روی قانون‌گذاری، سازمان‌ها و اسناد دیگر را ترسیم می‌کند. روش‌های کیفی برای تحلیل سیاست روش‌های تفسیری^۵ معنا^۶ محتوا^۷ است. بر اساس ماهیت سیاست همچون سیاست شفافیت و مشارکت، ویژگی‌های سازمانی در بخش عمومی، حجم قابل توجهی از داده‌ها و اطلاعات در دسترس، داده‌های کیفی و متون است. روش‌های مطلوب برای تحلیل سیاست روش‌های چک‌لیست و روش تحلیل محتوا است. در طول فرآیند انجام پژوهش و تحلیل سیاست‌های شفافیت و مشارکت و نتایج حاصل از پژوهش، امکان جرح و تعدیل و اصلاح روش‌های پیشنهادی فراهم می‌کند. ماهیت پژوهش در این مقاله استقرایی است که پس از انباشت داده‌ها و اطلاعات، آن‌ها را به صورت کمی (تحلیل‌های آماری توصیفی و رتبه‌بندی بر پایه‌ی آزمون‌های میانگین) و کیفی (تحلیل محتوا و تحلیل سیاست) برای انجام یک پژوهش آمیخته تحلیل می‌کند. فرآیند آسیب‌شناسی سیاست‌های مشارکت و شفافیت در این پژوهش بر پایه گام‌های زیر سازمان‌دهی و تدبیر شده است: گام نخست: تعیین منابع داده و اطلاعات (مرتبط با سیاست‌های مشارکت و شفافیت در سیستم مدیریت شهری) با مصاحبه نخستین با کارشناسان و مدیران (جدول ۱).

جدول ۱. منابع داده‌ها و روش‌های گردآوری آن‌ها منبع: (نگارندگان)

داده‌ها و اطلاعات متناسب با سیاست‌های شفافیت و مشارکت در شهرداری اصفهان	روش‌های گردآوری اطلاعات و داده‌ها
بازبینی و بازنویسی متون	برنامه جامع شهرداری اصفهان
	برنامه ۱۴۰۵ شهرداری اصفهان
	گزارش تعیین اولویت‌های راهبردی اصفهان ۱۳۹۴ (تارا)،
	گزارش بودجه‌ریزی مشارکتی اصفهان
	طرح یک شهر گفتگو
	طرح رصدخانه شهرداری
	مصوبات شورای شهر اصفهان
	مصوبات شهرداری اصفهان
	گزارش‌های شهرداری اصفهان
	گزارش‌های شورای شهر اصفهان
	صورت‌جلسات معاونین شهرداری اصفهان
	روزنامه اصفهان زیبا
	خبرهای خبرگزاری ایمن
مصاحبه نیمه ساخت‌یافته	مصاحبه با معاونت‌های شهرداری اصفهان
	مصاحبه با شهردار اصفهان
	مصاحبه با اعضای شورای شهر اصفهان

گام دوم: گردآوری داده و اطلاعات (مرتبط با سیاست مشارکت در سیستم مدیریت شهری) با انجام مطالعات اسنادی، بازبینی و بازنویسی متون مرتبط با سیاست مشارکت، جستجو در اسناد آرشیو مکاتبات، مصوبات و مصاحبه با تصمیم‌گیرندگان و مدیران. گام سوم: تهیه پایگاه داده و اطلاعات برای انجام تحلیل‌های هنجاری متون سیاست‌گذاری در محیط نرم‌افزارهای Microsoft ACCESS و Atlas.Ti. گام چهارم: انجام تحلیل‌های اثباتی و هنجاری شامل تحلیل‌های کمی (به‌منظور یافتن

1 . Event history analysis (EHA)
2 . Path analysis
3 . Game Theory
4 . Simulation
5 . Interpretation
6 . Meaning
7 . Content

ویژگی‌های آشکار با استفاده از روش‌های آماری توصیفی) و کیفی (ردیابی ویژگی‌های پنهان سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت با استفاده از روش تحلیل محتوا بر پایه‌ی کدگذاری‌های باز و بسته). گام پنجم: آسیب‌شناسی درون‌سازمانی سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت بر پایه‌ی برون‌دادهای برآمده از تحلیل‌های کمی و کیفی سیاست‌های مرتبط با مشارکت. گام ششم: تفسیر یافته‌های برآمده از تحلیل‌های دوگانه (اثباتی و هنجاری). به منظور ردیابی منابع داده و اطلاعات و گردآوری داده‌ها و اطلاعات مرتبط با سیاست‌های مشارکت و شفافیت در سیستم مدیریت شهری از روش‌های چک‌لیست (جدول ۲)، بازبینی و بازنویسی (برنامه‌ها، گزارش‌ها، مکاتبات، صورت‌جلسات و سایر متون سیاست‌گذاری) و مصاحبه با تعدادی از مدیران و کارشناسان متخصص درگیر در سیاست‌گذاری سیستم مدیریت شهری اصفهان استفاده شده است. سپس پایگاه داده، انباشت اطلاعات است که قابلیت به سامان‌سازی، مدیریت، واکاوی، هم‌رسانی و به‌روزرسانی داده‌ها را داشته باشد و مناسب برای تحلیل‌های کمی کیفی نیز باشد، تشکیل شد. این مقاله از هر دودسته پایگاه استفاده کرده است تا داده‌های گسترده و بدون ساختار تبدیل به داده‌های قابل ارزیابی شوند: (۱) پایگاه تحلیل و ذخیره‌سازی برای تحلیل‌های کمی در محیط نرم‌افزاری Microsoft Access با امکان استخراج اطلاعات در سایر نرم‌افزارهای آماری با هدف تحلیل ابعاد اثباتی (کمی) سیاست‌های شفافیت و مشارکت و (۲) پایگاه مدیریت متن برای تحلیل‌های هنجاری (کیفی) در نرم‌افزار Atlas.Ti با تبدیل متون به کدهای باز و بسته کیفی.

جدول ۲. چک‌لیست سنجش آسیب‌شناسی اثباتی سیاست‌های مشارکت و شفافیت در مدیریت بخش عمومی منبع: (Flick, 2009)

موضوع	مفهوم استقهامی	ویژگی‌های سیاست مشارکت و شفافیت
فاعل (سوژه)	چه کسی؟	۱- آیا سیاست‌گذار و مجری سیاست مشخص شده است؟ ۲- آیا جمعیت هدف سیاست تعریف شده است؟
مفعول (ایژه)	چه چیزی؟	۱- آیا باید دامنه تأثیر (برای چه چیزی یا چه کسی اعمال می‌شود) اصلاح شود؟ ۲- آیا موضوع اصلی سیاست مشخص شده است؟ موضوع سیاست به چه پدیده‌ای اشاره دارد؟
ابزار	چگونه؟	۱- آیا اطلاع‌رسانی سیاست، گروه‌های ذی‌نفع و تعیین سهم مشارکت انجام گرفته است؟ ۲- آیا استراتژی برای رسیدن به اهداف این سیاست معرفی شده است؟
زمان	چه زمانی؟ چه مدتی؟	۱- آیا زمان‌بندی سیاست با توجه به فرآیند اجرا لحاظ شده است؟
محل	چه مکانی؟	۱- آیا مرزهای منطقه‌ی تحت تأثیر معرفی شده است؟
معیار	چقدر؟	۱- آیا در طول سال گذشته انحرافی از این سیاست وجود داشته است؟ ۲- آیا درک یکسانی از سیاست وجود دارد؟ ۳- آیا سنجه‌های ارزیابی این سیاست معرفی شده است؟
علت	چرا؟	۱- آیا علت وقوع این سیاست به‌روشنی تبیین شده است؟
هدف	به چه منظور؟	۱- آیا سیاست و اثرات آن به‌طور مداوم برای مردم تفسیر می‌شود؟ ۲- آیا سیاست در راستای نیازهای عمومی است؟
برونداد	با چه نتیجه‌ای؟	۶- آیا نتایج وقوع این سیاست پیش‌بینی شده است؟

برای ردیابی ویژگی‌های هنجاری سیاست‌های مشارکت و شفافیت و دستیابی به مشکلات و آسیب‌شناسی آن‌ها، متون برنامه‌های (چون برنامه‌های جامع یا راهبردی)، گزارش‌های رسمی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و مصوبات مرتبط با سیاست‌های مذکور در یک پایگاه داده مدیریت متن در نرم‌افزارهای Microsoft Access و Atlas.Ti ذخیره‌سازی و سازمان‌دهی شده‌اند و با استفاده از سنجه‌هایی چون شکل شبکه مفاهیم، تراکم، ارتباطات، روابط اثرگذاری و علی مرتبط با سنجه‌های کیفی تحلیل می‌شوند (جدول ۳).

جدول ۳. سنجه‌ها ارزیابی کیفی و تحلیل هنجاری سیاست‌های شفافیت و مشارکت در مدیریت بخش عمومی (منبع: نگارندگان برپایه تحلیل متون چارچوب نظری مرتبط با سیاست‌های شفافیت و مشارکت).

سنجه‌های ارزیابی ویژگی‌های هنجاری سیاست (کیفی)	
۱- اطلاع‌رسانی	۱۳- گفت‌وگو
۲- مشورت	۱۴- آگاه‌سازی
۳- همکاری	۱۵- فرهنگ‌سازی
۴- درگیری	۱۶- ارتقا کیفیت تصمیمات اتخاذشده
۵- مقتدر سازی شهروندان	۱۷- افزایش اعضای حلقه تصمیم‌گیری
۶- توانمندسازی شهروندان	۱۹- کاهش فساد و سوء استفاده از موقعیت
۷- تفویض قدرت و اختیار	۲۰- اطلاع قانون‌مند مردم از فرآیندهای تصمیم‌گیری انتشار اطلاعات
۸- سرمایه‌گذاری	۲۱- مسئولیت‌پذیری مجریان
۹- مشارکت	۲۲- قانون‌مند بودن سیستم مدیریت شهری
۱۰- مشارکت سازمان‌های خصوصی	۲۳- شفافیت
۱۱- نظارت	

یافته‌های پژوهش

انجام تحلیل‌ها بر پایه مسیرهای سه‌گانه ردیابی مشکلات و آسیب‌شناسی سیاستگذاری‌های مرتبط با شفافیت و مشارکت (ن.ک. به مراحل انجام پژوهش در بخش روش‌شناسی) انجام شده است و مهم‌ترین یافته‌های برآمده از آن‌ها بیان‌گر آن است که جمعیت هدف سیاست با مخاطبین هر سیاست در بررسی مصوبات یکسان بوده و مرز مشخصی میان آن‌ها وجود ندارد. سیستم شورای اسلامی شهر در زمینه زمان اجرا و نتایج حاصل از اجرای مصوبه‌ها در مقایسه با دیگر مؤلفه‌های ماهیت سیاست ضعیف‌تر عمل کرده است و نزدیک به یک‌سوم از سیاست‌ها بی‌زمان فاقد پیش‌بینی دقیقی برای نتیجه آن هستند. بر همین پایه تحقق‌پذیری و ارزیابی آن‌ها با چالش روبرو خواهد بود. در بعد اثباتی سیاست‌های مشارکت، نتایج نشان می‌دهد که ۷۱ درصد از این سیاست‌ها دارای زمان‌بندی اجرایی هستند که با واژه‌هایی مانند سال مالی، بودجه‌ریزی یا اجرای مصوبه به صورت دائم همراه است. همچنین، ۱۰۰ درصد از این سیاست‌ها دارای موضوع اصلی هستند که شامل حمایت از تولیدات فرهنگی، توانمندسازی زنان، افزایش مشارکت، حمایت از مطبوعات محلی، تعیین اولویت‌های راهبردی و تشکیل شوراهای عالی سیاستگذاری می‌شود. در میان این سیاست‌ها، ۹۲ درصد دارای استراتژی‌هایی برای رسیدن به اهداف هستند که شامل تدوین برنامه جامع آموزشی، دستورالعمل‌های میزان و چگونگی خدمات و تهیه و اجرای طرح‌های پژوهشی می‌شود. همچنین، ۸۲ درصد از این سیاست‌ها دارای سنجه‌های ارزیابی هستند که شامل تهیه پیوست‌های زیباسازی و مشارکت برای پروژه‌ها، طراحی سامانه جامع الکترونیکی، سرانه‌های فعالیت‌های شهری و مانند آن می‌شود. در میان این سیاست‌ها، ۹۷ درصد دارای علت وقوع هستند که شامل برنامه‌های راهبردی، برنامه‌های آموزشی و دستورالعمل‌های جذب مشارکت سرمایه‌گذاران می‌شود. همچنین، ۶۳ درصد از این سیاست‌ها دارای نتایج وقوع هستند و نتایجی مانند رفع مشکلات سرمایه‌گذاران، تشکیل سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های شهرداری را بیان می‌کنند. در میان این سیاست‌ها، ۱۰۰ درصد دارای جمعیت‌های هدف مشخص هستند که شامل گروه‌های مختلف انسانی مانند زنان و جوانان و گروه‌های رسمی مانند پرسنل شهرداری و سازمان‌های مرتبط و مردمنهاد است؛ ۷۹ درصد از این سیاست‌ها در راستای نیازهای عمومی مانند نیازهای محیط‌زیستی، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی تعریف شده است. بر اساس تحلیل‌های حاصل از کاربست روش اثباتی، می‌توان بیان داشت که سیاست مشارکت از نظر ماهیت سیاست خوب ارزیابی می‌شود، اگر چه در زمینه پرداختن به نتایج وقوع سیاست و زمان‌بندی اجرا در مقایسه با بقیه موارد ضعیف‌تر عمل کرده است. در میان این سیاست‌ها، ۹۵ درصد دارای مرزهای منطقه‌ای (۱ تا ۱۵ اصفهان) هستند و با ویژگی خاص را شامل می‌شوند. ۹۲ درصد از این سیاست‌ها نیاز به اصلاح دامنه تأثیر ندارند. در میان این سیاست‌ها، ۹۱ درصد دارای سیاست‌گذار مشخص هستند که در بیشتر موارد شورای اسلامی

شهر و در برخی موارد شهرداری اصفهان می‌باشد. همچنین، ۱۰۰ درصد دارای مجری سیاست مشخص هستند که در بیشتر موارد شهرداری اصفهان می‌باشد. ۶۶ درصد از اطلاعات مرتبط با میزان انحراف از سیاست در دسترس نیست؛ نامشخص بودن انحراف سیاست مشارکت نشان‌دهنده این موضوع است که نتایج به درستی تبیین نشده که بتوان انحراف آن را ارزیابی نمود. میزان درک یکسان از سیاست مشارکت با ۹۴ درصد بالا ارزیابی می‌شود. سیاست‌گذاران در ۹۴ درصد از مصوبه‌های مربوط به سیاست مشارکت به درک یکسان از آن مصوبه رسیده‌اند. ۸۰ درصد میزان تفسیر سیاست مشارکت به صورت مداوم برای مردم به صورت خیلی کم گزارش شده است. تفسیر مداوم سیاست مشارکت یکی از ویژگی‌های شفافیت است که با توجه به عدم در دسترس بودن اطلاعات یا عدم انجام توضیح در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. اطلاع‌رسانی در زمینه تشریح سیاست، اجرا و نتایج آن، به ندرت و از طریق برگزاری جلسات، مستندسازی و انتشار اطلاعات بوده است. اطلاع‌رسانی تهیه و اجرای سیاست مشارکت به دلیل انتشار مصوبات شورا در سامانه مرتبط با آن، به میزان ۱۰۰ درصد است. گروه‌های ذی‌نفع در هر سیاست مشارکت به‌طور کامل معرفی شده‌اند و میزان آن ۱۰۰ درصد است. گروه‌های درگیر در این مصوبات به دلیل ماهیت مشارکتی آن‌ها متنوع هستند، ولی فراگیری آن‌ها به گونه‌ای نیست که همه گروه‌های رسمی و غیررسمی را پوشش بدهد. تعیین سهم مشارکت در هر سیاست مشارکت در وضعیت مطلوب قرار ندارد و در بیش از ۹۰ درصد سیاست‌ها، تعیین سهم مشارکت‌ها به خوبی انجام نشده است. در تحلیل بعد اثباتی سیاست شفافیت، یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از این سیاست‌ها دارای زمان‌بندی اجرایی و شامل مضامینی مانند اجرای سیاست به صورت مداوم، زمان‌بندی بر اساس سال مالی و بودجه‌ریزی، یا ارائه گزارش‌های دوره‌ای (سه‌ماهه یا شش‌ماهه) می‌شود. همچنین، تمامی سیاست‌های شفافیت (۱۰۰ درصد) به موضوعات اصلی مانند پیشنهاد، تصویب و تفریغ بودجه و طرح‌های پیشنهادی پرداخته‌اند. همچنین، ۱۰۰ درصد از این سیاست‌ها دارای راهبردهایی برای رسیدن به اهداف خود هستند که شامل چابک‌سازی، کاهش هزینه‌ها، برون‌سپاری فعالیت‌ها، انطباق‌پذیری اسناد و پیش‌بینی‌های بودجه با تفریغ، و شفاف‌سازی و قانونمندسازی کلیه درآمدهای شهرداری می‌شود. همچنین، تمامی سیاست‌ها دارای معیارهای ارزیابی مانند مشخص شدن هزینه‌ها، برگزاری شرایط مزایده و فروش و مشخص شدن ردیف‌های اعتباری هستند. افزون بر این، ۱۰۰ درصد از سیاست‌های شفافیت دارای علت‌های وقوعی هستند که شامل کاهش هزینه‌ها، کمک به ایجاد زیرساخت‌های درآمد پایدار و ارتقا زیست‌پذیری و رقابت‌پذیری شهر اصفهان می‌شود. در میان این سیاست‌ها، ۸۲ درصد دارای نتایج وقوعی هستند که شامل مجله‌های تصویب و تفریغ بودجه، تهیه دستورالعمل‌ها، فروش بخشی از اموال شهرداری و تحقق ردیف‌های اعتباری پیش‌بینی شده می‌شوند. در میان این سیاست‌ها، ۹۰ درصد دارای جمعیت‌های هدف مشخص هستند که شامل جمعیت‌های در نواحی جغرافیایی مانند شهر اصفهان، مناطق شهری یا مکان‌های خاص مانند بافت‌های فرسوده یا پارک‌ها و همچنین جمعیت‌های انسانی مانند ساکنین، پرسنل شهرداری، سازمان‌های مرتبط، سرمایه‌گذاران و اعضای شورای عالی سرمایه‌گذاری می‌شود. ۱۰۰ درصد از این سیاست‌ها در راستای نیازهای عمومی مانند تسهیل پروژه‌های راکد، تعیین واحد پولشویی، ساماندهی مشاغل مزاحم و حفظ هویت تاریخی هستند. در میان این سیاست‌ها، ۹۰ درصد دارای مرزهای منطقه‌ای معرفی شده‌اند که عمده سیاست‌های شفافیت به صورت آشکار یا پنهان به مرزهای منطقه‌ای که شامل مناطق ۱۵ گانه، مکان‌های خاص یا شهر اصفهان می‌شود، اشاره دارند. همچنین، ۹۰ درصد از این سیاست‌ها نیاز به اصلاح دامنه تأثیر ندارند. در میان این سیاست‌ها، ۱۰۰ درصد دارای سیاست‌گذار مشخص هستند که در اکثر آن‌ها شورای اسلامی شهر اصفهان می‌باشد و ۱۰۰ درصد دارای مجری سیاست مشخص هستند که در اکثر آن‌ها شهرداری اصفهان است. میزان انحراف از سیاست شفافیت ۹۰ درصد فقدان اطلاعات در دسترس را نشان می‌دهد و نامشخص بودن انحراف سیاست شفافیت نشان‌دهنده این موضوع است که نتایج سیاست شفافیت به درستی تبیین نشده که بتوان انحراف آن را ارزیابی نمود. میزان درک یکسان از سیاست شفافیت با ۹۰ درصد متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. ۷۰ درصد تفسیر سیاست شفافیت به صورت مداوم برای مردم با ضعف همراه بوده و بسیار کم ارزیابی می‌شود که این آمار گویای عملکرد ضعیف چرخه سیاست‌گذاری در ساختار مدیریت شهری شهر اصفهان است. اطلاع‌رسانی تهیه و اجرای سیاست شفافیت به دلیل انتشار در سایت مصوبات شورا به میزان ۱۰۰ درصد است. گروه‌های ذی‌نفع در هر سیاست شفافیت به‌طور کامل معرفی شده‌اند و میزان آن ۱۰۰ درصد است.

انجام تعیین سهم مشارکت در هر سیاست شفافیت دچار ضعف ۱۰۰ درصدی است و در کل سهم‌بندی مشارکت‌ها در افزایش شفافیت میزان بسیار پایینی دارد و برای آن سازوکاری مشخص نشده است. برپایه نتایج حاصل از تکمیل ویژگی‌های سیاست شفافیت در شهرداری اصفهان می‌توان گفت، زبان بیان سیاست‌ها سیال است و قابلیت تفسیرپذیری بالایی دارد و به دلیل نبود ادبیات مشترک میان سیاست‌گذاران، دست‌اندرکاران و مخاطبان سیاست، ضرورت دارد واژگان سیاستگذاری شهری (به ویژه در زمینه سیاست‌های مرتبط با شفافیت) دقیق‌تر و غیرقابل تفسیر باشد. در این زمینه، تنها نیمی از دست‌اندرکاران درک یکسانی از تعاریف و ماهیت سیاست‌های شفافیت دارند. برپایه این تحلیل‌ها، عملکرد سیستم مدیریت شهری اصفهان در تفسیر مداوم سیاست‌های شفافیت و تعیین سهم مشارکت برای اجرای سیاست‌های شفافیت ضعیف ارزیابی شده است. از دیدگاه هنجاری سیاست شفافیت، بر اساس تحلیل محتوای متون برنامه‌های راهبردی، گزارش‌های رسمی و نیز داده‌های برآمده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مصوبات مرتبط با این سیاست، نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌ها در این سیاست بر نیازهای واقعی جامعه هدف متمرکز بوده است. فراوانی اعضا در حلقه تصمیم‌گیری، فرایند گفتگو و همچنین مشارکت سازمان‌های خصوصی، نشان‌دهنده پیاده‌سازی مقدماتی این سیاست است. سهم شهروندان در فرایند اداره امور شهری نیز قابل توجه است. تکرار مفاهیمی مانند قانونمند بودن سیستم مدیریت شهری، مسئولیت‌پذیری دست‌اندرکاران و کاهش فساد، نشان‌دهنده ایجاد بستری مناسب برای اعتمادسازی و بهبود شرایط گفتگو و شفافیت کارآمد است. افزون بر این نتایج تحلیل کیفی نشان می‌دهد که شهرداری اصفهان به‌طور مداوم بر تعامل بین‌سازمانی و مشارکت سازمان‌های خصوصی تمرکز دارد و این موضوع نشان‌دهنده استفاده از بهره‌وری سازمانی و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی است. بررسی ویژگی‌های پنهان سیاست شفافیت در گزارش‌های پروژه‌ها و اقدامات نشان می‌دهد که سطح شفافیت در این فرایندها متوسط است و شامل اطلاع‌رسانی، گفتگو و درگیر شدن شهروندان می‌شود. اگرچه نتایج نشان می‌دهند که طیف گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی و غیررسمی در این فرایندها درگیر شده‌اند، اما مشارکت گروه‌های رسمی دولتی بسیار کم بوده است. در اجرای این سیاست، شهرداری اصفهان با تمرکز بر اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی، گفتگو، درگیری فعال، سرمایه‌گذاری، توانمندسازی و مشارکت سازمان‌های خصوصی، در راستای بهبود بستر شفافیت تلاش نموده است. تحلیل محتوای مصوبات شورا نیز نشان می‌دهد که مفاهیمی مانند شفافیت بین‌سازمانی، به‌طور ضمنی نشان‌دهنده تمایل به نظارت بر جزئیات عملکرد شهرداری است، اما تمایلی به گزارش‌دهی به شهروندان وجود ندارد. مصاحبه‌ها با مدیران و سیاست‌گذاران شهری نیز نشان می‌دهند که برای آن‌ها، درک مفهوم شفافیت به معنای «اطلاع‌رسانی به شهروندان» است. هرچند آگاهی از اثرات اجرای این سیاست، به‌ویژه در زمینه انتشار اطلاعات، آگاهی عمومی و قانونمندی در سیستم مدیریت شهری، وجود دارد، اما تغییراتی قابل قبول در راستای اجرای این سیاست مشاهده نمی‌شود. آن‌ها اجرای این سیاست را محدود به درگیری آن در برنامه‌های راهبردی شهرداری می‌دانند. آن‌ها برنامه‌ها را به عنوان بستری برای بهبود رابطه بین شهروندان و مقامات و حرکت به سوی یک جامعه مردم سالار می‌دانند. افزون بر این، عواملی مانند پیشینه فرهنگی جامعه، عدم وجود فرآیندهای مدیریتی و راهنمایی، عدم وجود بستری برای ارزیابی و ارزش‌گذاری اجرای سیاست شفافیت، وجود نظارت مؤسسات دولتی بالاتر بر شهرداری، محدودیت‌های قانونی، مدت کوتاه مدیریت و تغییر مداوم مدیران شهری، موانعی برای اجرای این سیاست هستند. پیشنهاد مدیران شهری برای به‌روزرسانی سیاست شفافیت، ارائه راهنمایی‌های مکتوب برای اجرای این سیاست و غلبه بر ضعف سیستم ارزیابی آن و همچنین بهبود روابط بین‌سازمانی بر اساس اجرای سیاست و هماهنگی در سیستم مدیریت شهری است. در اجرای این سیاست، شهرداری اصفهان با تمرکز بر اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی، گفتگو، درگیری، سرمایه‌گذاری، توانمندسازی و مشارکت سازمان‌های خصوصی، در راستای بهبود بستر مشارکت تلاش نموده است. تحلیل محتوای مصوبات شورا نیز نشان می‌دهد که مفاهیمی مانند مشارکت درون‌سازمانی، به‌طور ضمنی نشان‌دهنده تمایل به نظارت بر جزئیات عملکرد شهرداری است، اما تمایلی به گزارش‌دهی به مردم وجود ندارد. مصاحبه‌ها با مدیران و سیاست‌گذاران شهری نیز نشان می‌دهند که فرایند مشارکت از دیدگاه آنها، به معنای اطلاع‌رسانی به شهروندان، مشارکت مالی و سرمایه‌گذاری است که با هدف کسب منفعت برای مدیریت شهری اصفهان انجام می‌شود. به همین دلیل، ویژگی‌های پنهان سیاست مشارکت شامل اطلاع‌رسانی و گفتگو با شهروندان و شنیدن

نظرات آن‌ها در مورد مسائل شهری است. این افراد معتقدند که باید از مشارکت‌های مالی به سمت مشارکت‌های شهروندی حرکت شود. در ارتباط با مزایای این سیاست در سیستم مدیریت شهری اصفهان، به دو دسته‌بندی شهروندی و نهادی اشاره می‌شود؛ که کاربست سیاست مشارکت برای شهروندان، پویایی، خلاقیت، آگاهی و ارتقاء سرمایه اجتماعی را برای آن‌ها به همراه دارد و برای نهادها منجر به ارتقاء عملکرد، هماهنگی و مشارکت بین نهادی و درون نهادی می‌شود. از موانع مورد اشاره مدیران و سیاست‌گذاران شهری در مورد سیاست مشارکت می‌توان به ایجاد توقع در شهروندان، قضاوت شدن سیستم مدیریت شهری توسط شهروندان با سطح آگاهی کم و حساسی نهادهای بالادست اشاره کرد. مدیران و سیاست‌گذاران شهری معتقد هستند که سیاست‌گذاری مشارکت شهروندی در سیستم مدیریت شهری ناقص است و دلایل آن را کوتاه بودن دوره مدیریت شهری، تغییر مدیران شهری و تغییر دیدگاه‌ها، محدودیت‌های موجود در قانون و اسناد فرادست، بستر فرهنگی جامعه، یکپارچه نبودن فرآیند سیاست‌گذاری، ضعف سازوکارهای ارزش‌گذاری، انحصارطلبی و دیدگاه‌های موجود در شهرداری، نقص در نبود الگوی واحد، تسلط نظرات سنتی بر علمی، ناقص بودن فرآیند مطالعه و تهیه اسناد برنامه‌ریزی و فرآیند مشارکت ذینفعان در چرخه سیاست‌گذاری معرفی می‌کنند. سیاست مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان فاقد ارزیابی نظام‌مند و کلان است؛ و ارزیابی‌ها به صورت جزئی‌نگر و صرفاً بر پایه تعامل سازمانی و ارزیابی ذهنی مسئولین شهری و ارزیابی سازوکارهای سامانه‌های کوچک انجام می‌گیرد. به همین دلیل، نتایج مؤثری برای بهبود عملکرد سیستم ارائه نمی‌دهد. مدیران و سیاست‌گذاران شهری بهبود اجرای سیاست‌های مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان را تدوین اهداف و وظایف، تدوین دستورالعمل‌های اجرایی، ارزیابی مداوم، بسترسازی ارزیابی، مقتدرسازی شهروندان، گسترش شهرداری الکترونیک، اجرای سیاست مشارکت محله محور، اطلاع رسانی، گسترش سازمان‌های مردم نهاد و نظرسنجی مداوم از شهروندان می‌دانند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نظام مدیریت شهری در اجرای سیاست‌های مشارکت و شفافیت با چالش‌هایی مواجه است. تحلیل ابعاد هنجاری و اثباتی این سیاست‌ها نشان می‌دهند اگرچه نهادهای انتخابی مانند شورای اسلامی شهر بر ایجاد بستر مشارکت تأکید دارند، در عمل سطح مشارکت شهروندان به اطلاع‌رسانی و مشاوره محدود شده است. همچنین، در زمینه شفافیت، تمرکز این سیاست بیشتر بر نظارت‌های درون‌سازمانی است و شفافیت عمومی در راستای پاسخ‌گویی به شهروندان، کمتر مورد توجه قرار دارد. اصلی‌ترین عواملی که منجر به این نتایج شده است را این گونه می‌توان معرفی نمود:

نخست: چالش‌های ساختاری شامل کوتاه بودن دوره‌های مدیریتی و محدودیت‌های نهادی، دوم: موانع اجرایی مانند نبود سازوکارهای مشخص برای عملیاتی نمودن سیاست‌ها، سوم: تفاوت‌های استنباط و درک از مفاهیم مشارکت و شفافیت در میان ذینفعان (فقدان زبان مشترک در سیاست‌گذاری). افزون بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکردهای موجود به مشارکت و شفافیت عمدتاً متأثر از شرایط سازمانی و الزامات محلی شکل گرفته‌اند. این موضوع منجر به تنوع در شیوه‌های اجرایی شده که از یک سو نشانه انعطاف‌پذیری و از سوی دیگر بیانگر نبود چارچوب مشترک برای سیاست‌گذاری و اجرای آن است. به منظور غلبه بر کاستی‌ها و موانع در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با شفافیت و مشارکت عمومی در سیستم‌های مدیریت شهری (به ویژه شهرداری‌ها و شوراهای شهرها)، تدوین راهنمای اجرایی برای استانداردسازی فرآیندها، ظرفیت‌سازی و آموزش مستمر برای ذینفعان و تقویت سازوکارهای نظارتی و ارزیابی و تلفیق و تطبیق آن‌ها با همکاری و هماهنگی بین‌سازمانی، مهم‌ترین اولویت‌ها هستند.

تعارض منافع

متن حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

1. Ali Ahmadi, A., & Mirabedini, Z. (2019). Analyzing the public policy-making process in Tehran urban management (2014–2018). *Public Policy*, 5(1), 75–98. <https://doi.org/10.22059/ppolicy.2019.71576> [In Persian].
2. Alvani, S. M., & Sharifzadeh, F. (2017). The process of public policymaking. Tehran: Allameh Tabataba'i University Press. [In Persian].
3. Amiri, K., Masoud, M., Moradi Chadegani, D., Sadeghi, N., & Safi Esfahani, F. (2022). Presenting an applied model of empowering cohesive local community in cyberspace to improve residents' participation in urban regeneration of deteriorated areas in Isfahan. *Journal of Urban Studies*, 11(42), 61–74. [In Persian].
4. Baekgaard, M., Larsen, S. K., & Mortensen, P. B. (2019). Negative feedback, political attention, and public policy. *Public Administration*, 97(1), 210–225. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/padm.12569>
5. Ball, C. (2009). What Is Transparency? *Public Integrity*, 11(4), 293–308. <https://doi.org/10.2753/PIN1099-9922110400>
6. Barakopour, N., & Asadi, E. (2009). Urban management and governance (Third). Municipal Publications.
7. Benito, B., Guillamón, M.-D., & Ríos, A.-M. (2021). Transparency and efficient management in local governments. *Cities*, 115, 103234. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103234>
8. Birkland, T. A. (2019). An Introduction to the Policy Process: Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making. Taylor & Francis. <https://books.google.com/books?id=VCCeDwAAQBAJ>
9. Cucciniello, M., Porumbescu, G. A., & Grimmelikhuijsen, S. (2017). 25 Years of Transparency Research: Evidence and Future Directions. *Public Administration Review*, 77(1), 32–44. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/puar.12685>
10. Ebrahimi Nea, V., & AbdiDaneshpour, Z. (2017). Policy-making in Tehran's metropolis: A dual analysis of integration and disintegration. *Journal of Fine Arts – Architecture and Urban Planning*, 22(1), 87–102. [In Persian].
11. Egeberg, M. (2020). Policy design or organizational design: On the relevance of the study of public policy and administration. *Public Administration*, 98(3), 801–804. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/padm.12671>
12. Esmailzadeh, H., & Sarrafi, M. (2006). The position of good urban governance in Tehran metro planning. *Modares Human Sciences*, 10(48), 1–28. [In Persian].
13. Finkelstein, N. D. (2000). *Transparency in Public Policy: Great Britain and the United States*. New York: St. Martins Press.
14. Flick, U. (2009). An introduction to qualitative research (4th ed.). Sage Publications.
15. Kazemian, Gh. & Mirzaeabadi, Z. (2011). analysis of integrated urban management in Tehran from the perspective of urban policy and urban decision-making. *Journal of Fine Arts – Architecture and Urban Planning*, 27, 27–38 [In Persian].
16. Marschall, M. J. 2004. Citizen participation and the neighborhood context: A new look at the coproduction of local public goods. *Political Research Quarterly*, 57(2):231-244
17. Mordi Chadegani, D., Sabouhi, E., Asghari, M., Amiri, K., & Salehi Najafabadi, M. (2022). Evaluation of overt and covert dimensions of participation policy in Isfahan's urban management system. *Journal of Economics and Urban Management*, 1(1), 45–60.
18. Pacione, M. (2009). Introduction: The policy context of urbanization. Chapters.
19. Piran, P. (1985). Conceptual and theoretical foundations of participation. Tehran: Institute of Agricultural Economics and Planning Research Publications. [In Persian].
20. Sabatier, P. A. (1991). Political science and public policy. *PS: Political Science & Politics*, 24(2), 144–147.
21. Servas J, Patchanee M. 2008. Development Communication Approaches in an International Perspective. In J. Servas, *Communication For Development and Social Change*. New Dehli. Published by SAGE. PP498.
22. Seetharam Sridhar, K., Gadgil, R., Dhingra, C., Seetharam Sridhar, K., Gadgil, R., & Dhingra, C. (2020). Good governance in the transparency, accountability, public participation and capacity (TAP-C) framework. *Paving the Way for Better Governance in Urban Transport: The Transport Governance Initiative*, 1–18.
23. Shapiro, S. (2016). *Analysis and public policy: successes, failures and directions for reform*. Edward Elgar Publishing.
24. UNDP. (2014). Discussion paper Governance for Sustainable Development Integrating Governance in the Post-2015 Development Framework. <https://www.undp.org/sites/g/files/zskgke326/files/publications/Discussion-Paper-Governance-for-Sustainable-Development.pdf>
25. WWW.IAP2.org, International Association for public participation.
- 26.